

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. از روزی که مکتب خلفا به عنوان تداوم خط رسالت نبوی در میان مسلمانان معرفی شد، و مردم عملاً آن را پذیرفتند، فرهنگی جدید با نام "فرهنگ اسلامی" سر بر آورد که هنوز در منابع و کتابها به جای فرهنگ نبوی خودنمایی می‌کند. مروری بر پی آمدهای این فرهنگ جدید، گویاتر از هر توضیحی است که چگونه تابش نور هدایت نبوی به ظلمت دنیا محوری و قدرت مداری خلفای ستمگر بدل شد.

زیارتنامه‌ها بی‌اعتباری تاریخ‌های رسو را نشان می‌دهد.

۲. امامان معصوم علیهم‌السلام عمری در فشار و مضیقه زیستند، در تنگنایی به سر بردند که آنها را به تقیه‌های دشوار و می‌داشت. تا آنجا که برای بسیاری از حقایق مجال گفتن نیافتند و پاره‌ای از مطالب را، در مجالسی که مخالفان حضور داشتند، به نفع آنان بیان داشتند تا در فرصت دیگر - و شاید برای جمع محدودتری - پرده از اصل مطلب بر دارند.

اما در زیارت نامه‌ها، حقایق را بسیار روشن‌تر از فضاهای دیگر بیان کردند.

۳. نکته دیگر در مورد طبقه‌بندی احادیث آن است که معصومان با توجه به مخاطب و قدرت فهم و توان ایمانی او سخن می‌گفتند. لذا گاهی به یک سؤال جوابهای مختلف می‌دادند. طبیعی است که رعایت ظرفیت مخاطب - به ویژه در مباحث عقاید - محدودیت‌هایی را برای گوینده پدید آورد که گریزی از آن نیست.

اما زیارت کلامی است میان یک معصوم با معصوم دیگر. طبیعی است که در اینجا

مشکل محدودیت مخاطب در بین نیست. اگر زیارت حضوری بوده (مانند زیارت امین الله) مشکل تقیه در میان نیست، چون حاضران عده معدودی بودند که مشکلی با آنان در میان نبود. و اگر حالت تقیه بوده (مانند بعضی از زیارتنامه‌های سیدالشهدا علیه السلام) یا امکان زیارت حضوری نبوده یا تعلیم زیارت به دیگری بوده (مانند زیارت جامعه کبیره)، در هر حال، امام معصوم که زائر بوده، در کمال آزادی شئون معصوم دیگر را که مزور بوده بیان داشته است. بدین ترتیب مدرسه‌ای برای تربیت و تعلیم عقاید حقه در طول سالیان دراز پدید آمده که همچنان بر روی دانش پژوهان گشوده است.

۴. در عموم احادیث، راویان همیشه امکان نداشتند که متن کلام معصوم را در همان حال بنویسند. تنگناهای اجتماعی در غالب موارد مانع از این کار می‌شد. لذا راویان محتوای کلام را به خاطر می‌سپردند و در فرصتی مناسب می‌نوشتند. بدین روی گاهی اوقات، احادیث به صورت نقل به مضمون به دست آیندگان می‌رسید. البته ائمه علیهم السلام برای اینکار شروطی تعیین کرده بودند و با آن شروط نقل به مضمون را اجازه می‌دادند که تفصیل آن در کتابهای علم الحديث آمده است. بعضی از اختلافات موجود میان احادیث به این نکته بر می‌گردد.

متون دعاها و زیارتها از این نکته نیز در امان مانده است. این متون به دلیل حساسیت و دقت فوق‌العاده عیناً به دست راویان بعدی می‌رسید، حتی اگر یک راوی معنای تمام مطالب آن را نمی‌فهمید یا خودش نظر خاصی در باب یک جمله آن داشت.

اینگونه دقت در ثبت و ضبط عین متن، در دعاها و زیارتنامه‌ها بیش از دیگر احادیث بکار می‌رفت. لذا گنجینه‌ای ارزشمند در اختیار داریم که حق آن به خوبی ادا نشده است.

۵. سازندگی زیارت منحصر به خواندن متن زیارتنامه از نزدیک یا دور نیست. بلکه آداب زیارت که باید رعایت شود - چه قبل از سفر زیارتی یا حین آن یا بعد از آن -

خود مجموعه‌ای از آداب و اخلاق انسانی است که اگر سایه آن بر سر زندگی انسان گسترده شود، رفتار بهینه الهی خواهیم داشت. محدث نوری در کتاب تحفة الزائر و شیخ عبدالله مامقانی در مرآة الکمال، بیش از چهل نکته بیان کرده‌اند که زائر باید رعایت کند. نکته دیگر اینکه برای بعضی از زیارات، مانند زیارت عاشورا و آل یاسین و غدیریه (صادره از ناحیه مقدسه امام هادی صلوات الله علیه)، محدودیت زمان و مکان نیست. یعنی در هر زمان و هر مکان می‌توان توسط این زیارت به خداوند تعالی تقرب جست. این نکته گستره مدرسه زیارت را صد چندان می‌کند.

۶. بدین ترتیب، زیارت مدرسه‌ای برای انسان‌سازی است که در هر حال و هر روز و هر جا و هر مخاطب، درسی برای انسان شدن دارد.

البته لازمه استفاده از این موهبت ارزشمند الهی، تأمل در زیارت است؛ چه رعایت آداب عملی و چه دقت علمی در متن زیارتنامه. این امر هر چه بیشتر اجرا شود، میزان بهره‌گیری انسان از این عبادت بیشتر خواهد شد.

۷. یکی از محورهای اصلی زیارتنامه‌ها، بلکه روح کلی زیارت، دو اصل مهم و اساسی تولی و تبری است. این اصل ریشه‌ای تعیین کننده تمام شاخه‌ها (فروع) در نظام اندیشه و رفتار دینی صحیح است. و مرزهای انسان با هر گونه اندیشه، گفتار، رفتار، رابطه و عمل را تعیین می‌کند.

این اصل در زیارت، نمود خاصی دارد. بدین روی، در روایات معتبر و صحیح، زیارت را برتر از حج دانسته‌اند. جنبه عقلی این کلام، آن است که انسان در حج، فرعی از فروع دین را ادا می‌کند (و البته تمام اجزای دین، حتی مستحبات آن، بدین لحاظ که حکم و فرمان الهی است، اهمیت دارد). اما تولی و تبری، اصلی از اصول دین بلکه مهمترین اصل به شمار می‌رود.

البته دستیابی به این نتیجه، موکول به تأمل در روح زیارت است. شاید بتوان گفت

"معرفت" که آن را روح زیارت دانسته‌اند و ثواب زیارت را مشروط به آن می‌دانند، ناظر به همین تولی و تبری باشد.

۸. زیارت بالاترین درس عبودیت را به ما می‌دهد.

در زیارت جامعه کبیره، چهارده نور پاک را بدان روی می‌ستاییم که بنده راستین خدایند، یعنی هیچگاه - حتی یک لحظه - از فرمان او سر نمی‌پیچند: «و عباده المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون».

نمادهای این عبودیت راستین در گفتار و کردار معصومان پاک نهاد علیهم‌السلام فراوان است، از جمله در کلامشان که فرمودند:

«لو قلنا برأینا و هوانا اذا لهلکنا، و لکنها آثار من رسول الله صلی الله علیه و آله»^۱

این بزرگ مردان آسمانی چنین سخن می‌گویند و نشان می‌دهند که تنها وارثان آن پیامبر خدایند که در وصف او در قرآن می‌خوانیم:

«ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی»^۲

۹. خداوند برای دست‌یابی مردم به توحید و معرفت خود راه‌هایی قرار داده و خود امر فرمود که به درگشش وسیله جویند:

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسيلة»^۳

این وسیله چیست؟ پاسخ را در زیارت جامعه کبیره می‌یابیم: «و من وحده قبل عنکم» منحصرأ کسی به توحید می‌رسد که از طریق شما اهل بیت وارد شود.

آیا این سخن به معنای محدود دانستن خدا است؟ به عبارت دیگر: آیا خداوند نمی‌تواند راهی دیگر برای تقرب به خود قرار دهد؟ البته می‌تواند که خود فرمود: انه علی کل شیء قدیر. ولی همان خدایی که از ما عبودیت می‌طلبد، فقط همین راه را طریق

۱. بصائر الدرجات ص ۳۰۰ - ۳۰۱ حدود ۱۲ حدیث به این مضمون.

۲. نجم / ۴۳.

۳. مائده / ۳۵.

عبادت شناسانده است.

این نکته از آموزه‌های والای زیارت جامعه است که:

«انتم ... الباب المبتلى به الناس من اتاكم نجى و من لم يأتكم هلك»

۱۰. چنین است که در طی مسیر عبودیت همواره باید همراه این نورهای پاک بود، نه

یک گام پیش و نه یک گام پس از اینان:

«فالراغب عنكم مارق، و اللازم لكم لاحق، و المقصر فى حقه زاهق»

آن آسمانی مردان، گنجینه‌های بزرگ توحید را در میان زمینیان پاس داشتند و رواج دادند. به خطبه‌های بلند توحیدی که از امامان معصوم صلوات الله علیهم رسیده، نیک بنگرید. آنگاه بررسی کنید و ببینید که در موارث فرهنگی اقوام و ملل دیگر، مانند آن را می‌توان یافت؟

۱۱. روشن است که این عبارات، فقط برای خواندن و گذشتن نیست. بلکه خواندن مقدمه ایمان و عمل باید باشد. چنانکه گفتیم، اساساً یکی از ابعاد سازندگی زیارت، آشنایی با اسوه‌ها است تا درس زندگی از آنها گیریم و به سوی حیات‌طیبه گام برداریم. در زیارت امین الله، به تعلیم امام معصوم، از خدای بزرگ می‌خواهیم که ما را چنان قرار دهد: «مستتة بسنن اولیائک، مفارقة لأخلاق أعدائک». آیا برای رسیدن به این هدف والا نباید گام برداشت؟ آیا دستیابی به چنین جایگاهی برنامه‌ریزی جدی در سطح فردی و اجتماعی نمی‌طلبد؟

۱۲. در زیارتنامه نورانی امام رضا (علیه السلام) می‌خوانیم:

«قتل الله أمة قتلکم بالایدی و الالسن»^۱

کشتن به دست، کار کسانی است که در صحنه عاشورا حضور داشتند. ولی کشتن به

۱. همین عبارت کلیدی در دو روایت دیگر از زیارت سید الشهداء (علیه السلام) نیز آمده است: قتل الله من قتلکم (قتلک) بالایدی و الالسن. بنگرید: کامل الزیارات باب ۷۹ حدیث ۱ و ۲۱ ص ۲۱۵ و ۲۵۱ چاپ غفاری.

زبان، کار کسانی است که به ترویج تحریفات پرداختند، و در انکار یا کتمان یا تأویل حقایق کوشیدند. گروه اول بر پیکره حقیقت، زبان تیغ گشودند و گروه دوم تیغ زبان. و هر دو در یک مسیر گام نهاده‌اند، مسیری که ترویج زیارت آگاهانه همچون جهادی در برابر آنان، نقشه‌هایشان را خنثی می‌سازد.

۱۳. زیارت امام رضا علیه السلام گنجی است موهبتی به ایرانیان، از سوی خدایی که: «يعطى من لم يسأله و من لم يعرفه تحنناً منه و رحمة».

این گنج اکنون در اختیار ما است، بدون اینکه رنجی برای آن کشیده باشیم. در واقع، رنج را پیشینیان ما بردند تا ما امروز وارث این گنج شدیم. راه خراسان، نه چند آسان هموار شد. این راه، با پای شوق زائرانی هموار شد که مشقت سفر را در این مسیر طولانی کویری پذیرفتند تا حریم آسمانی رضوی فراموش نشود و مورد تعرض دشمنان قرار نگیرد.

چنین شد که این خاک آسمانی پاک، در سده‌های دراز، قبله دل‌های این قبیله است و مطاف نورانی اهل ولا.

کمترین ادای وظیفه در برابر آن همه تلاش گمنامان دیروز، این است که امروز، هدف اصلی زیارت را گم نکنیم و از یاد نبریم، بلکه آن را پیوسته زنده بداریم.

۱۴. اگر معرفت، روح زیارت است، به راستی چه مایه برای رسیدن به معرفت سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؟ و تا چه اندازه برای رساندن دیگران به معرفت کوشیده‌ایم و دغدغه نشان داده‌ایم؟ تهیه امکانات مادی سفر به مشهد، البته کاری است بس ضرور، و باید همواره مد نظر باشد. ولی هدف غائی در سفر زیارتی، رفاه و خوشگذرانی نباید باشد، بلکه باید به همان هدف نهائی دین اندیشید که خدای حکیم بیان فرمود:

«يا ايها الذين آمنوا استجيبوا لله و للرسول إذا دعاكم لما يحييكم» (انفال/ ۲۴)

هدف از بعثت پیامبر و جهاد مستمر امامان علیهم السلام، احیای انسانها است. زیارت، یکی از

مهمترین ابزارهای رسیدن به این هدف. این ابزار، بدون معرفت به کار نمی‌آید و ما را به هدف نمی‌رساند.

۱۵. در زیارت جامعه کبیره، امام هادی بیش از چهل وظیفه بیان می‌دارد که مردم نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام باید به جای آورند (از جمله: اُشهد الله و اُشهدکم تا: برئت الی الله). این مجموعه را می‌توان منشور وظایف امت در برابر امام دانست و جای آن دارد که خود، مستقل از تمام متن زیارت جامعه، محور بحث و درس و نشست علمی باشد. باری، در ضمن این منشور وظایف، برخی جملات دیده می‌شود، مانند: عارف بحقکم، مستبصر بشأنکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم، زائر لکم، لائذ عائذ بقبورکم.

زیارت امامان در کنار بصیرت به شأن و جایگاه آنان، معرفت نسبت به آنان، انتظار دولت حق آل محمد و موارد دیگر یکجا مطرح شده است.

۱۶. خلاصه اینکه شکر نعمت والای زیارت به شناخت قدر و جایگاه والای آن است که هدف آن را باز شناسیم و باز شناسانیم؛ خود و دیگران را در عمل به آن هدف نزدیک سازیم؛ گسترش فرهنگ زیارت را با ترویج معارف رضوی و جهه اصلی همّت خود بدانیم؛ و در این جهت، از بحث و درس و کار عملی غفلت نکنیم.

زمانی بهره زائر از زیارتش به کمال می‌رسد که فرهنگ امامت، توکی و تبری (به معنای صحیح و اصیل)، بصیرت نسبت به امامان و دشمنان آنان، معرفت هر چه بیشتر نسبت به آن گرامیان در جهت تحقق توحید، نهادینه شود.

تجلی این همه در تحقق و گسترش فرهنگ متعالی انتظار است که همگان این پیام آسمانی امام صادق علیه‌السلام را از فراز سده‌ها به گوش جان بشنوند: «فجدّوا و انتظروا، هنیئاً لکم ایّتها العصابة المرحومة». (غیبت نعمانی ص ۲۰۰)^۱

۱. بخش عمده‌ی مطالب این سرمقاله برگرفته از کتاب چاپ نشده‌ی استاد محقق حاج شیخ مرتضی فرج‌پور است که در شرح زیارت‌نامه حضرت ابو الفضل العباس علیه‌السلام نوشته‌اند.